

## تلاش مأموران صحی

یکی دیگر از کارهایی که از سوی حکومت برای اجرای قانون مایه کوبی انجام می شد، تربیت، آموزش و استخدام افرادی بود که جهت تلقیح واکسن آبله به اقصی نقاط ایران روانه می شدند و موظف بودند که رایگان کودکان را آبله کوبی کنند.<sup>۱۳</sup> چنان که گفته شد، واکسیناسیون با اقبال عمومی مواجه نبود و عموم مردم در مقابل این اقدام مقاومت می کردند، بنابراین اخبار آبله کوبی با ذکر نام مأموران آبله کوبی و آمار کودکان واکسینه شده در ولایات مختلف از سوی دولت و به منظور روشن کردن ذهن مردم و عادی سازی این اقدام پیش گیرانه در روزنامه دولتی «وقایع اتفاقیه» منتشر می شد: «کربلایی نورمحمد آبله کوب، که حسب الامر اولیای دولت علیه مأمور صفحات مازندران بود، از قراری که نوشته اند، متجاوز از سیصد چهارصد نفر را آبله کوبیده است و خوب شده اند و از این جهت که دیده اند بسیار فایده بخشیده، مردم زیاد طالب و راغب شده اند و همچنین میرزا ابوالقاسم آبله کوب که مأمور توقف گیلان گردیده بوده از قراری که نوشته بودند، مأمور آبله کوبی کودکان بوده. در اول، اهل آن با احتراز از این معنی داشته اند؛ بعد از آن که به وضوح پیوست که این آبله کوبی بسیار مفید است تمامی اهل شهر در کمال وضعیت و میل اطفال خود را می آوردند و آبله می کوبند و در مدت پانزده روز زیاد از شصت نفر طفل را آبله کوبیده اند که همگی صحیح و سالم آبله درآورده خوب شده اند.»<sup>۱۴</sup> حتی برای متقاعد کردن مردم به آبله کوبی کودکان، از جریمه نقدی و توسل به زور نیز پرهیزی نبود. روزنامه «وقایع اتفاقیه»، شماره سی و پنجم، هفدهم صفر ۱۲۶۷ هجری قمری، استناد کرد که آمده است: «چون که منظور امنای دولت علیه در تعیین نمودن اطبا و غیره به جهت آبله کوبی در کل شهرهای ایران این بود که ناخوشی آبله در این ولایت کم کرده و بلکه از تفضلات الهی در این دولت علیه به سبب مواظبت صاحبان اطفال و اطبای آبله کوب به طور آسان و خوب بالمزه رفع شود و قرار گذاشته اند که اگر کسی بچه خود را آبله نکوبد مورد مؤاخذه دیوانیان بشود؛ از جمله در این روزها در محله دروازه نواصفهان شخصی طفل خود را آبله نکوبیده است و آن طفل خود آبله را درآورده و به این مرض هلاک شده پنج تومان از پدر او جریمه گرفته اند.»<sup>۱۵</sup> همچنین روزنامه «وقایع اتفاقیه» تاریخ بیست وهفتم ربیع الاول ۱۲۷۰ هجری قمری می نویسد: «قاعده های آبله کوبی که چند سال است تازه در این ولایت متداول شده است بسیار فایده به احوال خلق می کند و اشخاصی که از این آبله به اطفال خود کوبیده اند همگی از این مرض سالم مانده اند، چنان چه از قراری که در روزنامه یزد نوشته بودند میرزا حسن آبله کوب از اول هذه السنة اودئیل تا این اوقات یک هزار و سیصد و پنجاه و پنج نفر را... آبله کوبیده و همگی از این مرض خلاصی یافته اند و احیاناً اگر کسی به مرض آبله فوت بشود، معلوم می گردد که از کسانی است که از این آبله نکوبیده بوده است و آن ها که کوبیده اند، هیچ یک فوت نشده اند.»<sup>۱۵</sup>

## تخصیص بودجه و اعتبار به خدمات بهداشت شهری و واکسیناسیون

اگرچه در دوران ولایت عهدی عباس میرزا، آبله کوبی تشویق و توصیه می شد، اما هنوز بودجه و سازوکار مشخصی برای آبله کوبی و واکسیناسیون در دستور کار دولت قرار نگرفته بود. چنان چه در سال ۱۸۳۲ از سوی عباس میرزا و دربار به دکتر کورمیک فقط ۱۰۰ روپیه و به دکتر مک نیل ۱۶۰ روپیه اضافه پرداختی بابت واکسیناسیون پرداخت می شد.<sup>۱۶</sup> در دوران صدارت امیرکبیر نیز آبله کوبی اجباری اعلام شد، اما در فهرست دستورالعمل های مالی جایی برای هزینه های خدمات بهداشتی و تهیه و تزریق واکسن دیده نشده بود. اما مطالبات ایرانیان برای به روز شدن و برخورداری از امکانات بهداشتی بیش از آن بود که تا این زمان یافته بود. انقلاب مشروطه برای تحقق نوسازی تجدد در قوانین و شیوه زندگی روزآمد فرصتی بیشتر در اختیار مردم گذاشت. نمایندگان مجلس درباره بهداشت و مشکلات درمان و شیوع بیماری ها به گفت و گو نشستند و به نتایجی امیدوارکننده دست یافتند. یک دهم مالیات نواقل به بهداشت شهرها و قرظینه و واکسیناسیون آبله و دیفتری و تربیت مأمور صحی و... اختصاص یافت. دکتر امیراعلم<sup>۱۷</sup> در تصویب بودجه اختصاصی از مالیات نواقل برای آبله کوبی تلاش بسیار کرد و چندین بار در مجلس کوشید تا نمایندگان را متقاعد کند. او درباره آمار ابتلا و مرگ بیماری آبله و گرفتن رأی موافق مجلسیان چنین گفت: «اهمیت این طرح در نظر نمایندگان معلوم است. مطابق صورتی که به مجلس حفظ الصحه رسیده است تقریباً سالی صد هزار طفل به واسطه مرض آبله و دیفتری تلف